

Investigating the components of legislative penal policy against currency smuggling through circumventing sanctions

Ali Jamshidi Nik PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.. Email: ali.jamshidnik@gmail.com

Amir Samavati Pirouz Corresponding author, Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: amir.Samavati@kian.ac.ir

Ayatollah Parvizifard Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Email: ayat_parvizifard@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Sanctions Evasion,
Smuggling,
Currency Smuggling,
Criminalization.

ABSTRACT

The exit and entry of foreign currency into the country is a vital matter that is generally subject to a lot of supervision by the government, but nevertheless, foreign currency smuggling in the country is a problem for which the legislator has set policies. However, there are still many ways to smuggle foreign currency, which are sometimes not criminalized by the legislator and legal loopholes are still felt in it. One of these ways is smuggling foreign currency through the abuse of circumventing the sanctions imposed on Iran by the League of Nations. Generally, the exit and entry of value into the country during the sanctions are carried out through non-SWIFT ways and through secret financial channels, which, if not controlled by the legislator and the government, leads to foreign currency smuggling. Therefore, in this present study, we have intended to address the ways to prevent this issue and also to identify and determine the way to circumvent sanctions once and for all so that by properly criminalizing this issue, foreign currency smuggling can be prevented. Our method in this research is based on a library and survey study method and is descriptive-analytical.

Cite this Article: Jamshidi Nik, A. , Samavati Piroz, A. and Parvizi Fard, A. (2024). Examining the components of legal criminal policy against currency smuggling by circumventing sanctions. *International Relations Researches*, 14(1), 281-308. doi: 10.22034/irr.2025.508175.2672



© Author(s)

Publisher: Iranian International Studies Association

DOI: 10.22034/irr.2025.508175.2672

بررسی مولفه های سیاست کیفری تقنینی در قبال قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها

علی جمشیدی نیک دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه: ali.jamshidnik@gmail.com

امیر سماواتی پیروز نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه: amir.Samavati@kian.ac.ir

آیت اله پرویزی فرد استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه: ayat_parvizifard@yahoo.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	خروج و ورود ارز به کشور امری حیاتی است که اصولاً با نظارت های بسیار از سوی دولت روبه روست اما با این حال قاچاق ارز در کشور معضلی است که قانون گذار برای آن خط مشی هایی تعیین نموده است. با این حال راه های زیادی هنوز برای قاچاق ارز وجود دارد که بعضاً از سوی قانون گذار جرم انگاری نگردیده و همچنان خلاء های قانونی در آن احساس می گردد. یکی از این راه قاچاق ارز از طریق سوء استفاده از دور زدن تحریم هایی است که از سوی جامعه ملل بر ایران تحمیل گشته است. عموماً برای خروج و ورود ارز به کشور در زمان تحریم ها از راه های غیر سوئیفتی و از طریق کانال های مالی مخفی انجام می گیرد که در صورت عدم کنترل از سوی قانون گذار و دولت، به قاچاق ارز منجر می گردد. از همین رو ما قصد داشته ایم در این تحقیق حاضر به چگونگی راه های پیشگیری از این مسئله پرداخته و همچنین قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها را یک بار برای همیشه مشخص و معین نماییم که بتوان با جرم انگاری درست این مسئله، از قاچاق ارز جلوگیری گردد. روش ما در این تحقیق مبتنی بر شیوه ی مطالعه کتابخانه ای وبده و به صورت توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.
کلیدواژه ها: دورزدن تحریم ها، قاچاق، قاچاق ارز، جرم انگاری	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱	

استناد به این مقاله: جمشیدی نیک، علی، سماواتی پیروز، امیر و پرویزی فرد، آیت اله. (۱۴۰۳). بررسی مولفه های سیاست کیفری تقنینی در قبال قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها. پژوهش های روابط بین الملل، ۱۴(۱)، ۲۸۱-۳۰۸. doi: 10.22034/irr.2025.508175.2672

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





وارد یا خارج کردن ارز از کشور دارای قواعد خاصی است که عدول از آن قواعد موجب برخورد قانون با شخص عدول کننده خواهد بود. مهمترین مسئله ای که در اینجا وجود دارد، چگونگی خارج یا وارد کردن ارز بوده و اینکه این امر توسط چه شخص یا مقامی انجام می گیرد چرا که جابه جایی ارز از مرز محدودیت های خاص خود را دارد. با توجه به این موضوع باید اذعان نماییم در سال های اخیر که کشور ما درگیر تحریم ها بوده، ورود و خروج ارز چه برای اشخاص و چه برای دولت بسیار دشوار بوده است؛ لذا همین امر موجب ظهور تفکری با عنوان دور زدن تحریم ها یا همان جابه جایی ارز مورد نیاز کشور در زمان تحریم ها بدون ایجاد حساسیت های قانون مدارانه در جامعه ی بین المللی، گشته که طبق آن ورود و خروج ارز خارج از قواعد بانکی بین المللی و خارج از مسیرهای مالی قانونی بین المللی انجام می گیرد و در برخی موارد این موضوع به دلیل اتصال سیستم بانکی کشور با سیستم جهانی بانکداری در سیستم بانکی داخلی نیز ثبت نمی گردد این موضوع به اشخاص اجازه می دهد تا قواعد قانونی موجود در زمینه قاچاق ارز را نیز زیر پا بگذارند. بنابراین قاچاق ارزی که از طریق دور زدن تحریم ها در حال حاضر اتفاق می افتد، صدمات و لطماتی را به ارزش های بنیادین نظام و اقتصاد کلان کشور وارد ساخته که ما در پی شناسایی این خلاء ها و همچنین ورود سیاست تقنینی کیفی جهت جرم انگاری مستقل آن در زمان وضع و تصویب قوانین می باشیم. چنانکه پیش تر «قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۶، در بند (خ) از ماده (۲) قانون موصوف: «هر گونه وارد خارج کردن، فروش یا حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیینی توسط دولت یا مجوزهای لازم از بانک مرکزی، اعم از اینکه در سطح بازار داخلی یا فضای مجازی (سایبر) باشد» را قاچاق ارز محسوب و ارز را در بند (پ) ماده (۱) این قانون: «پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد»، تعریف کرده است.

بند «خ» ماده (۲) بیان میدارد: «علاوه بر مصادیقی که در قانون امور گمرگی مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ ذکر شده است، موارد زیر نیز قاچاق محسوب می شود: و ادامه ی بند های ماده نیز آمده است: عدم رعایت ضوابط تعیین شده از سوی دولت یا نداشتن مجوزهای لازم از بانک مرکزی برای ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز». موضوعات مبهمی که می تواند ذهن ما را به خود معطوف نماید این است که تعریف ارز و قاچاق ارز چیست؟ «ارز عبارت است از کلیه اسناد و اوراق بهاء دار و روش ها و ابزاری



است که در مناسبات و معاملات بین المللی از آنها برای پرداخت بهای خدمات یا کالاها استفاده می شود و به وسیله آنها تادیه دین یا انتقال وجه به نفع شخص حقیقی یا حقوقی صورت می گیرد.» (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۱۸) همچنین در بعد کلی میتوان به سادگی بیان داشت که « قاچاق ارز عبارت است از خارج کردن ارز از کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم از راههای هوایی، دریائی، زمینی) بدون رعایت مقررات بانک مرکزی و یا وارد کردن ارز به کشور به شرط عدم اظهار میزان و نوع ارز در اظهارنامه تسلیمی به مقامات صلاحیتدار توسط مسافر، یا عدم درج در گذرنامه، بهنگام خروج از کشور کشف گردد قاچاق محسوب و ضبط خواهد شد یا سایر جرائمی که بحکم قانون قاچاق محسوب می گردد.» (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۳) به طور کلی که هرگاه فردی، به قصد فرار و طفره رفتن از اجرای مقررات ارزی؛ براساس اطلاعات و مستندات مکشوفه تحت قانون حاکم در این بخش و به طور آگاهانه بیش از مبلغ ۱۰ هزار دلار ارز (احمدی، ۱۳۹۴: ص ۶۴) و یا سایر اسناد (معتبر) مالی را وسیله خود یا دیگر اشخاص مرتبط با خود و یا به هر طریق دیگری انتقال دهد یا در جامه دان یا بسته های همراه (محموله) و یا سایر محفظه ها یا ظروف جاسازی و انتقال دهد و یا به شخص دیگری واگذار نماید با شروع به حمل و نقل یا واگذاری این مقدار ارز یا اسناد مالی از محلی در داخل کشور به خارج از کشور انتقال و یا خارج از کشور به داخل آن منتقل (وارد) نماید؛ مرتکب جرم قاچاق ارز شده است. اختفاء ارز به وسیله خود شخص و یا افراد متعلقه، از جمله مخفی و پنهان کردن ارز در هر قسمت از البسه پوشیده شده یا وسیله این افراد در هر یک از جامه دان ها، یا جاسازی شده در ته وسایل (پاشنه کفش، دیواره های چمدان، اشیاء هنری دستی همراه و ..) و یا در هر نوع ظرف و محفظه ی همراه (دوربین شخصی، فلاسک، کیف دستی) یا حمل شده با خود، توسط این افراد، قاچاق محسوب می گردد. با توجه به این توضیحات باید هدف خود از انتخاب این موضوع را نیل به پاسخ های صحیح در زمینه ی تدابیر جرم شناسانه ی موجود در ایران برای مقابله با سودجویان مجرمی از طریق حقه ی دور زدن تحریم ها سیستم قاچاق را در جامعه بسط می دهند عنوان کنیم. البته این موضوع را نیز باید عنوان کنیم که شناخت اصل رفتار مربوط به دور زدن تحریم ها زمانی جنبه های یک جرم را پیدا می کند که سند FATF در ایران یا تصویب گردد و یا حداقل بخش هایی از آن به اجرا در آید تا رفتارهای موجد قاچاق ارز برای گنج کردن تحریم ها خلاف قانون تلقی شده و از پیگرد قانونی مناسب برخوردار شود. در چنین حالتی فرض ما این است که رفتار قانون گذار در شناسایی سندی که دور زدن نظام پولی جهانی را جرم بین المللی تلقی می کند، می تواند منجر به شناسایی قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها به عنوان یک



رفتار غیر قانونی و مجرمانه گردد. البته بایسته های سیاست کیفری تقنینی در مورد این مسئله معطوف به ظاهر موضوع است و ماهیت موضوع را که به عدم پیشگیری مناسب از ورود و خروج ارز بر می گردد، از نظر دور داشته و در این زمینه نیاز به توجه قانون گذار می باشد.

در واقع قصد ما در تحقیق ی پیش رو تفکیک مبحث قاچاق ارز از ورود و خروج ارز برای کمک به اقتصاد کشور است که البته با وضعیت فعلی کشور که در محاصره ی تحریم ها هستیم پاسخ درخور برای آن ارائه نشده است. اعتقاد ما این است که ارتکاب هرگونه عملی که بر ضد امنیت اقتصادی جامعه باشد می تواند به عنوان یک جرم تلقی شده و می توان آن را بر اساس دیدگاه های سیاست تقنینی مورد بررسی و تحقیق قرار داد. لذا با تکیه بر بایسته های سیاست تقنینی کیفری در برابر قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها و امکان شناسایی این عمل به عنوان نوعی عمل خلاف خواهیم پرداخت.

۱. آسیب شناسی تقنینی در جرم انگاری و جرم ستیزی قاچاق ارز با دور زدن تحریم

مسئله هر گوه سوءاستفاده از فضای تحریم به نفع تاجران تحریم که به طریقی از فشار حاکم بر جامعه سود می برند، به ضعف قانون در پیشبینی و کنترل رفتارهای انحرافی و بانندی برمی گردد. البته این جزو بدیهیات است که در صورت ضعف قانون گذار رفتارهای انحرافی سازمان یافته تر و گسترده تر شده و در عین حال می توانند قانون را نیز از طریق ایجاد روابط پنهانی با رأس هرم در دولت، دور بزنند. چنین امری در کشورهایی که تحت تحریم قرار دارند مسئله ای شایع است اما ظاهراً چشم قانون گذار و چشم دولت نسبت به این موضوع بسته است. باید بگوییم ما در تحقیق خویش تنها به دنبال پژوهش و رسیدن به چند جواب کوتاه صرف نیستیم بلکه به دنبال انتقاد مستقیم از سیستم حاکم بر دولت و جامعه هستیم که اجازه می پرونده های اخلال ارزی روز به روز بیشتر و بزرگتر گردد. در چنین حالتی قصد داریم در این قسمت به چگونگی آسیب شناسی تقنینی در جرم انگاری و جرم ستیزی قاچاق ارز با دور زدن تحریم بپردازیم.

۱-۱. آسیب شناسی در قوانین کیفری

اولین آسیبی که در قوانین کیفری ایران برای مبارزه با قاچاق ارز دیده می شود، عدم اقتدار قانون گذار در تعیین شرایط نرخ ارز و عدم پوشش دقیق رفتار بانک مرکزی نسبت به نوسانات اقتصادی ایران با توجه تحریم هاست (شکری و همکاران، ۱۳۹۹ : ۳۳-۵۹) در چنین حالتی که قانونگذار برای ایجاد هماهنگی بین اقتصاد ارزی و سیاست های کیفری مبارزه با قاچاق ارز تعارف کرده و تعلل به



خرج می دهد قطعاً نمی توان به بهترین نحو از سوءاستفاده از دو نرخ بودن ارز در کشور که به نحوی خود موجب قاچاق ارز است، جلوگیری کرد. در واقع دور زدن تحریم ها باعث گشته تا قانون گذار چشم بر خطای تجاری که ارز را با سوءاستفاده از ضعف دولت و تحریم ها از کشور خارج کرده و کالای بی کیفیت وارد می سازند و ارز مازاد را نیز با راحتی قاچاق می کنند، ببندد. این سخن را ما بر اساس گزارش کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها مجلس بیان داشته ایم که بنابر اعلام آن ها، ارز دو نرخي موجب ایجاد رانت و سوءاستفاده می شود. با این حال ما باید به آسیب قانون فعلی بپردازیم که حالت کلی مشکل بسیار جدی آن عدم تعریف درست از قاچاق ارز و اخلال ارزی است چه برسد به قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها. قاچاق ارز در بند (الف) از ماده (۱) ق.م.ق.ک. و.ا. اینگونه تعریف شده است هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. همچنین در بند(خ) از ماده (۲) ورود خروج خرید فروش و حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیینی توسط دولت و بدون مجوزهای لازم از بانک مرکزی نیز قاچاق ارز محسوب شده است. تعریف ارز نیز در بند(پ) ماده (۱) این قانون بشرح زیر آمده است پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد.

با توجه به ظاهر این عبارتها هر نوع خرید فروش و حواله ارز بدون کسب مجوز از بانک مرکزی قاچاق محسوب شده است. با اینحال نباید به این ظاهر اکتفا کرد و باید، خرید فروش و حواله را صرفاً در جاییکه بانک مرکزی آن را نیازمند کسب مجوز دانسته است و بدون مجوز آن بانک صورت میگیرد مشمول عبارات مزبور دانست. بعبارت دیگر، اگر در جایی بانک مرکزی، خرید فروش یا حواله ارز را نیازمند کسب مجوز ندانسته باشد، آنگاه انجام چنین کاری ولو اینکه بدون کسب مجوز از بانک مرکزی، باشد قاچاق ارز نخواهد بود. بعنوان مثال، مسافری با بازگشت از خارج کشور مقداری ارز کمتر از معادل ۱۰۰۰۰ دلار (اسکناس) در اختیار دارد و چون به آن احتیاج ندارد ارز یادشده را به دوست یا همکار خود میفروشد، مرتکب قاچاق ارز شناخته نمی شود ولو اینکه بدون کسب مجوز از بانک مرکزی این کار را انجام داده باشد؛ چراکه بانک مرکزی این گونه خریدوفروشها را نیازمند کسب مجوز ندانسته است و برای آن مجوزی هم اعطا نمی کند. مجوزهایی که بانک مرکزی اعطا می کند برای کسانی است که قصد دارند شغل خود را معاملات ارزی قرار دهند؛ یعنی صرافان و بانکها که عملیات آنها فعالیت



حرفه ای در بازار پول است البته مناسب بود به این مطلب در قانون نیز توجه شود و هرگونه معامله ارزی (خرید فروش و حواله را بدون کسب مجوز از بانک مرکزی جرم تلقی نمی کرد و صرفاً به معاملاتی اشاره میکرد که نیازمند کسب مجوز از بانک مرکزی هستند. بعبارت بهتر انشای پیشنهادی درست این ماده به این صورت میتواند باشد: «ورود خروج، خرید فروش و حواله ارز در مواردی که نیازمند کسب مجوز از بانک مرکزی است بدون کسب مجوز مربوطه قاچاق ارز محسوب میشود. قانونگذار در ماده (۷) ق. م. ق. ک احکام دیگری را مقرر داشته که این تصور را به ذهن می آورد؛ گویا قانونگذار قصد داشته است که از هر نوع معامله ارز جز در بازارهای رسمی جلوگیری کند و آن را مشمول عنوان قاچاق قرار دهد. «بانک مرکزی موظف است در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیر مجاز ارز اقدامات زیر را بعمل آورد: (الف) تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور همراه مسافر همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل؛ (ب) ایجاد سامانه اطلاعات مالی صرافیها و رصد و ارزیابی فعالیت آنها.» تبصره های این ماده نیز تکالیفی را برای بانک مرکزی و دولت مقرر مینمایند براساس تبصره (۱) این ماده «دولت مکلف است ارز مورد نیاز اشخاص را تامین و در صورت عدم کفایت آن بازارهای مبادله ارز آزاد را بگونه ای ایجاد کند که تقاضای اشخاص از قبیل ارز مسافری و عبوری از طرق قانونی تامین گردد براساس تبصره (۲) همان ماده عرضه و فروش ارز خارج از واحدهای مجاز تعیین شده توسط دولت بوسیله اشخاص و واحدهای صنفی ممنوع است و با مرتکبان مطابق قانون رفتار میشود» تبصره (۳) نیز مقرر میدارد دولت حدود و مقررات استفاده کند. از ارز را تعیین می این ماده چند ابهام دارد که تبیین آنها ضروری است نخست؛ مفهوم دولت و بانک مرکزی در تبصره (۳) خلط شده است.

درست است که دولت در مفهوم عام آن شامل بانک مرکزی نیز می شود و بانک مرکزی نیز یکدستگاه حاکمیتی است اما باید توجه داشت که در همین قانون وظایف بانک مرکزی و دولت جدا از یکدیگر ذکر و بنظر میرسد که مقنن به این تفکیک وظایف توجه داشته است. در قانون هرجایی سخن از وضع ضوابط معاملات ارزی یا وضع مقررات حاکم بر ارز نام برده شده بانک مرکزی مسوول آن دانسته شده است. با اینحال، در تبصره (۳) مقرر داشته دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را معین می کند. اگر مقصود از دولت در این تبصره، هیات وزیران و قوه مجریه باشد آنگاه این پرسش مطرح خواهد شد که تعارض این تبصره با سایر موادی که وضع مقررات حاکم بر ارز را وظیفه بانک مرکزی میدانند چگونه باید حل کرد و اگر مقصود، معنای عام دولت باشد و تبصره (۳) به بخش ذیصلاح دولت؛ یعنی بانک



مرکزی اشاره داشته باشد این پرسش مطرح است که چرا مقنن در این تبصره نیز مانند سایر مواد در این قانون از عبارت بانک مرکزی» استفاده نکرده است. ابهام مهمتری که بر اساس ماده ۷ ایجاد میشود اینست که آیا خرید و فروش ارز صرفاً در صرافیها و بانکها می تواند انجام شود یا معامله موردی ارز در خارج از صرافیها و بانکها نیز مجازست؟ همانطور که اشاره شد، عرفاً خرید و فروش ارز بطور موردی را نمیتوان مشمول عنوان قاچاق دانست و تنها در صورتیکه اینکار بصورت یک شغل و بطور مکرر انجام گیرد میتوان آن را ممنوع و مشمول مجازات دانست.

با اینحال، ظاهراً تبصره (۲) خلاف این امر را مقرر میدارد و فروش ارز را در صورتیکه خارج از واحدهای تعیین شده توسط دولت و بوسیله اشخاص و واحدهای صنفی صورت گیرد ممنوع میداند و نتیجه این ممنوعیت نیز براساس سایر مواد ق.م.ق. ک از جمله ماده (۲) محکومیت مرتکب به جرم قاچاق ارز است چنین مقرره بسیار سختگیرانه ای در عمل میتواند دشواریهای بسیاری را ایجاد کند فرض کنید توریستی از خارج از کشور به ایران آمده، بخشی از ارز همراه خود را به ریال تبدیل میکند تا برای مخارج خود هزینه کند حال اگر ریال مزبور تمام شود و صرافی در نزدیکی وی وجود نداشته باشد و وی بخواهد کرایه تاکسی خود تا محل صرافی را با ارز خارجی پرداخت کند، مرتکب جرم قاچاق ارز شده است و در صورت دستگیری میتوان وی را به چنین جرمی محکوم کرد. البته ممکن است گفته شود که در عمل محاکم در خصوص چنین مواردی مبادرت به صدور حکم قاچاق نمیکند و چنین مواردی را قاچاق تلقی نمی کنند.

در واقع هم محاکم از صدور چنین احکامی ابا دارند، اما باید توجه داشت که باید قانون بنحوی باشد که چنین مواردی جرم تلقی نشوند نه اینکه قانون این عمل را جرم تلقی کرده باشد و سپس محاکم با ملاحظه معقول نبودن نتایج قانون در موارد خاص از اجرای آن خودداری کنند. حدس زدن اینکه چرا قانونگذار چنین رویکرد سختگیرانه را در رابطه با قاچاق ارز اتخاذ کرده است چندان دشوار بنظر نمیرسد. ق.م.ق.ک در ۱۳۹۲ تصویب شده است و آن، زمان مقارن با بحران جدی در بازار ارز بود بگونه ای که نااطمینانی در شرایط اقتصادی باعث شده بود حتی مردم عادی نیز به خرید و نگهداری ارز اقدام کنند و به این طریق در صدد آن بودند که خود را در مقابل نوسانات آتی قیمتها در فضای امنی قرار دهند. این امر خود باعث افزایش تقاضای ارز و نوسانات بیشتر قیمت آن شد در چنین شرایطی قانونگذار درصدد برآمد که با تصویب قانون مزبور مانع از خرید و نگهداری ارز توسط مردم شود و حکم تبصره (۱) ماده فوق مبنی بر تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور همراه مسافر همراه



رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل باید توسط بانک مرکزی انجام شود؛ نیز از همین نوع هستند بر اساس تبصره اخیر بانک مرکزی باید مشخص کند که هر کس تا چه میزان میتواند ارزش نگهداری کند و زاید بر آن ممنوع و بالتبع قاچاق تلقی میشود. البته تاکنون بانک مرکزی اقدام به تعیین چنین میزانی نکرده است و به تعیین میزان مجاز ارزش ورودی و خروجی بسنده کرده است.

در عمل نیز اجرای چنین مقرره ای که نوعی ارزش را کالای ممنوع قلمداد می کند و تنها نگهداری میزان مشخصی را که بانک مرکزی مجاز اعلام کرده از شمول این ممنوعیت خارج میکند با مشکلات فراوان همراه خواهد بود بنظر میرسد با فرونشستن التهابات بازار ارزش و بازگشت آرامش نسبی به بازار نیاز به بازنگری در قانون مزبور وجود دارد. همچنین توافق هسته ای و ورود سرمایههای خارجی به کشور نیازمند آنست که در مقررات ارزی کشور بازنگری صورت گیرد و فضای مناسبی برای حضور سرمایه گذاران خارجی در کشور فراهم شود کشوری که در آن نگهداری ارزش ممنوع بوده و خرید و فروش ارزش فقط در صرافی مجاز باشد و حتی بصورت موردی نتوان چنین کاری را انجام داد گزینه مناسبی برای سرمایه گذاران خارجی نخواهد بود و چنین مقرراتی فضای کسب و کار در کشور را سخت تر خواهد کرد. (ستوده گندشمن، دیندار بوسجین و صمدیان، ۱۳۹۵ : ۹۶ - ۱۲۰)

۲-۱. آسیب شناسی پیشگیری

پیشگیری کارآمد مهمترین قدمی است که باید در راستای کنترل و کاهش جرایم اقتصادی ناشی از رفتار دولت انجام داد. بدین نحو که می بایست کارآمدی نوع پیشگیری مد نظر ما باشد نه زیادت نظری های اطراف آن. و البته باید همخوانی نوع پیشگیری با جامعه ایران را نیز مورد توجه قرار دهیم. به طور کلی اگر بخواهیم بررسی داشته باشیم باید بگوییم که چنین پژوهشی که دقیقاً میزان همخوانی را نشان دهد تا کنون انجام نشده است. به همین دلیل نیز نمی توان با چنین منطقی در این پژوهش پیش رفت اما از نظر ما برای پیشگیری از جرم دولتی که با تکیه بر افشاگری انجام شود، مهمترین موضوع توجه به کنش اجتماعی است که راستای گردش اطلاعات انجام می شود. در واقع کنش های اجتماعی موثر بر گردش اطلاعات به خصوص اطلاعاتی که می تواند افشاکننده ی جرایم دولتی باشد، بسیار حائز اهمیت است.

در پیشگیری اجتماعی و نیز پلیس و نظام قضایی جامعه محور، یکی از الزامات مهم برای نظام قضایی و پلیس در پیشگیری از جرم تفویض اختیارات و مشارکت دادن مردم و نهادهای مدنی و صنفی در مبارزه



با جرم و آگاهی‌رسانی است. این الزام ریشه در این نکته دارد که جرم دارای منشأ اجتماعی است؛ از این رو، مبارزه با جرم و کاهش آن نیز مشارکت مردمی و اجتماعی را می‌طلبد (بابائیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). اگر نظام قضایی و پلیس بخواهند در پیشگیری از جرم موفق باشند، باید از قالب‌های سنتی خارج شوند و با نگاهی نو به محیط بیرونی و درونی و تغییر و تحولات محیطی، بسترهای جرم‌زا را شناسایی کنند و با مشارکت دادن مردم و همه اجزای سیستمی جامعه، اقدام به مبارزه با جرم و کاهش آن کنند. رکن اصلی پلیس جامعه‌محور مشارکت دادن مردم و نهادهای رسمی و مدنی با تمرکز بر بسترهای اجتماعی جرم است. (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۹-۷)

در دو دهه اخیر، در ایران عواملی همچون وجود ضعف‌ها و موانع جدی در مقابل نهادهای شدن جامعه مدنی، نبود گردش آزادانه اطلاعات در رسانه‌ها در حد انتظار مطلوب و غالب شدن جناح زدگی افراطی بر جریان اطلاعات سبب شده‌اند که جرایم اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی به بحرانی ساختاری و ریشه‌دار در جامعه تبدیل شوند. به همین سبب، نهادسازی‌های جدید در نظام قضایی برای پیشگیری از جرایم در ایران از موفقیتی کامل برخوردار نبوده‌اند. (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۱۰۷)

در چارچوب الگوی نظری تحقیق، یکی از الزامات برای پلیس و نظام قضایی در پیشگیری از جرم تغییر پیش‌فرض و رویکرد «تهدیدمحوری» به «جامعه‌محوری» است؛ البته در دهه اخیر، این تغییر در ایران تا حدی روی داده است، اما در حد انتظار مطلوب نیست. در همین راستا است که اصطلاحات و راهبردهایی همچون «پیشگیری اجتماعی» با تمرکز بر شناخت ریشه‌ها یا بسترهای جرم و «پیشگیری وضعی» به معنای حذف یا کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا اهمیت یافته‌اند (وروایی، ۱۳۹۴: ۵۰). پیشگیری وضعی نوعی پیشگیری غیرکیفری یا کنشی است که تأکید بر وضعیت و موقعیت زمانی و مکانی جرم دارد، به گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزهکار سخت می‌شود یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته می‌شود. (شیری، ۱۳۷۸)

در این بین، پیشگیری اجتماعی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. متخصصان بر این باورند که پیشگیری اجتماعی مؤثرترین عامل و روش در پیشگیری از رفتار مجرمانه است؛ زیرا با تغییر شرایط اجتماعی و محیطی و ارتقای سطح فرهنگ و نظارت عمومی می‌توان زمینه را برای ایجاد و نهادینه کردن شخصیت سالم و مؤثر در افراد فراهم و تقویت کرد. در رویکرد جامعه‌محوری و پیشگیری اجتماعی، آموزش همگانی نسبت به منابع، مصادیق و پیامدهای رفتارهای مجرمانه از طریق روشورها، رسانه‌ها و کانال‌های دیگر می‌تواند نقشی درخور توجه در تغییر رفتاری - نگرشی و جلوگیری از تمایل افراد به



رفتارهای مجرمانه ایفاء کند. نتیجه تحقیق بابایان و همکارانش در شهر تهران نشان می‌دهد که آموزش همگانی از طریق بروشورها، مطبوعات، تلویزیون، رادیو و آموزش‌های الکترونیک تا حد بسیار زیادی در آگاهی افراد نسبت به مصادیق، رفتارها و پیامدهای رفتار مجرمانه تأثیر داشته‌اند. اکنون بیش از گذشته ضرورت دارد که پلیس و دستگاه قضایی برای ایجاد محیطی سالم به سمت تعامل با مردم و فرهنگ‌سازی حرکت کنند. آموزش و آگاهی‌رسانی عمومی می‌تواند افراد در معرض خطر را در محل‌های آسیب‌پذیر از ارتکاب جرم باز دارند. (هاشمی و فرهمند، ۱۳۹۲: ۳۰)

نخستین نسل از تدابیر پیشگیرانه به توسل به نظام کیفری و اعمال مجازات نسبت به مرتکبان جرایم محدود بود. در گذشته تصور می‌شد که شکنجه و مجازات‌های شدید می‌توانند ترس و وحشت را در اجتماع پدید آورند و در نتیجه مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران شوند. این تدابیر و سیاست‌های پیشگیری از جرم همراه با انتقام در ملاء عام بودند و با تبلیغات و خشونت بسیار در برابر دیدگان مردم انجام می‌شدند. اما با وجود اعمال مجازات‌ها، حتی مجازات‌های سنگین و خشن، هرگز از میزان جرایم کاسته نشد. وانگهی، با الهام از اندیشه‌های اندیشمندان و مصلحین، دولت‌ها با لحاظ تدابیر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از تدابیر پیشگیری غیرکیفری نیز برای پیشگیری و کاهش جرایم و جلوگیری از تکرار جرم بهره بردند (معظمی، ۱۳۸۶: ۹۳). انریکو فری از بنیانگذاران مکتب تحقیقی در اواخر سده ۱۹ در کتاب خود تحت عنوان «افق‌های نوین حقوق کیفری» خواستار تجدیدنظر در حقوق کیفری و توجه به نحوه مبارزه با بزهکاری شد. وی با بی‌اثر دانستن کیفرها از نظر پیشگیری عمومی، برنامه گسترده‌ای از اقدامات پیشگیرانه را با استفاده از راه‌های پیشگیری غیر قهرآمیز که ماهیتی تربیتی، اجتماعی و اقتصادی دارند ترسیم کرد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۵۶۱). از زمان ظهور تفکر علمی در مورد جرم و پیشگیری از آن، تمام توجه جرم‌شناسان به شخص مجرم و شیوه‌های مهار بزهکاری یا اصلاح و یا درمان مجرمان بوده است. در گذشته سنگ بنای تشکیل سیاست جنایی فقط معطوف به مرتکب جرم بود، اما از چند دهه قبل، جرم‌شناسان پژوهش‌های خود را بر روی راهبردهای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان متمرکز کرده‌اند (کوسن، ۱۳۸۵: ۱۷۴)

به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران یکی از وظایف مهم قوه قضائیه انجام اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان است. قوه قضائیه با تدوین سیاست‌های پیشگیرانه مناسب اجتماعی و فرهنگی و استفاده از این ظرفیت‌ها در جامعه می‌تواند رسالت مهم خود را در جهت تأمین امنیت جامعه، کنترل بزهکاری، اصلاح مجرمان و جلوگیری از بازگشت مجدد به جامعه مطرود بزهکاران



انجام دهد. در همین راستا بود که «سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی» مورد توجه قوه قضائیه قرار گرفتند. در حقیقت، این نوع از سیاست‌های پیشگیرانه تلاش دارد تا کل جامعه را در مقابل خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی تقویت کند و با اصلاح شرایط محیط اجتماعی و محیط فیزیکی، تدابیر پیشگیرانه خود را اجراء کند. در همین راستا بود که «شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم» متشکل از مقامات قضایی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شکل گرفت.

در چارچوب شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی نظریه حکمرانی خوب و نظریه سیستمی، استفاده از سازوکارهای کنترلی اجتماعی و غیر رسمی، گسترش ارتباطات اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند در بازتولید سیستمی، نظم و پیشگیری از گسترش بحران‌ها و جرایم مؤثر باشند. از این رو، نظام قضایی به صرف سازوکارهای حقوقی و رسمی و بی توجه به این رویکردهای غیر رسمی نمی‌تواند به طور مؤثر مانع از گسترش جرم شود.

در چارچوب رویکرد سیستمی، همانطور که بسترهای جرم‌زا عمدتاً اجتماعی هستند، پیشگیری از جرم نیز مستلزم تعهد تمام اجزای نظام اجتماعی و استفاده نظام قضایی از تمام ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی برای کنترل و پیشگیری از جرایم است:

استفاده کامل از ظرفیت‌های رسانه‌ای وابسته به نظام قضایی و سایر رسانه‌ها به منظور تقویت آگاهی شهروندان نسبت به بسترهای اجتماعی و فرهنگی جرم‌زا و نیز چگونگی دوری شهروندان از بزه‌دیدگی و پیامدهای مخرب فرهنگی، اجتماعی و فردی جرم؛

تقویت روابط برون‌سازمانی بین نظام قضایی و سازمان‌های فرهنگی - اجتماعی دولتی و نهادهای مدنی، صنفی و نهادهای مردم بنیاد و انتصاب رابط‌ها در معاونت پیشگیری اجتماعی قوه قضائیه به منظور شناسایی بسترهای اجتماعی جرم‌زا، دریافت نظرات و مشاوره‌های تخصصی و مفید آنها و تقویت رویکرد اصلاحی به جای رویکرد کیفری و تنبیهی؛

تقویت روابط و جلسات هم‌اندیشی با استادان دانشگاه‌ها، دانشجویان، صاحب‌نظران و پژوهشگران در رشته‌های مجموعه علوم اجتماعی و نظرسنجی از آنها در ارتباط با بسترهای اجتماعی و فرهنگی جرم‌زا و نیز دریافت رویکرد و نظرات مشورتی آنها در پیشگیری از جرم با راهبردهای اجتماعی و فرهنگی؛ تقویت ارتباطات مستقیم با مردم از طریق دفاتر ارتباطات مردمی و نهادینه کردن آن و نیز استفاده کامل از ظرفیت‌های فضای سایبری و اینترنتی برای شنیدن شکایات مردم، ریشه‌های اجتماعی جرم‌زا و عدم تقلیل این رویکرد به یک کنش نمادین؛



تأسیس و گسترش مراکز مشاوره حقوقی در کشور به منظور افزایش دانش حقوقی و جلوگیری از کشانده شدن افراد در معرض خطر به سمت جرم؛

برگزاری همایش‌های استانی با هدف شناساندن بسترهای جرم‌زا و گسترش آگاهی عمومی در ارتباط با جرایم و منابع و عوامل جدید جرم؛

هدایت بخش درخور توجهی از فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها و نیز برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در راستای افزایش آگاهی عمومی نسبت به جرایم و پیامدهای آن و نیز تقویت همبستگی و سرمایه اجتماعی به عنوان سپر محافظتی در مقابل جرایم اجتماعی؛

هشدارهای مکرر نظام قضایی به خرده نظام‌های اقتصادی، خانواده‌ها و نهادهای امنیتی در ارتباط با همکاری کاربردی با نظام قضایی از طریق جلوگیری از ایجاد بسترهای جرم‌زا؛

برقراری ارتباط مؤثر و کاربردی با آموزش و پرورش به منظور گنجاندن موضوع دانش اجتماعی پیرامون جرم، ریشه‌ها، خطرهای در کمین دانش‌آموزان و نیز موضوع همبستگی یا سرمایه اجتماعی در کتاب‌های درسی؛

استفاده از سازوکارهای کنترلی اجتماعی برگرفته از دین و سنت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر و نیز سازوکارهای کنترلی مدنی در ارتباط با پیشگیری از جرم و آگاهاندن مردم در خصوص جرایم و عوامل جرم‌زا؛

استفاده از بازوهای مشورتی و نهادی یادشده برای تحکیم هویت دینی و ملی و عناصر ملی‌گرایی به منظور جلوگیری از گرایش افراد در معرض خطر به سمت جرم و معرفی پیامدهای منفی جرایم برای توسعه و عظمت ملی کشور؛

قانون‌گذار اولین گزینه برای ساختار بخشی به پیشگیری از جرم دولتی است که می‌تواند در جهت کاهش انحرافات مقامات دولتی به کار برده شود. به طور کلی مواد نسبتاً زیادی در قوانین مختلف برای پیشگیری از جرم وجود دارد اما برای جرایم دولتی به صورت ویژه چنین چیزی پیشبینی نشده است. البته برای پیشگیری از جرایم اقتصادی منصوب به مقامات دولتی همچون اختلاس، راهکارهایی پیش بینی شده است اما اینکه جرایم اقتصادی مقامات دولتی باید به صورت خاص در حیطه‌ی جرایم دولتی قرار گیرد خود موضوعی دیگر است که در این بحث نمی‌خواهیم به آن بپردازیم. به نظر می‌آید باید قوانین موثر در این زمینه را مورد بررسی قرار دهیم.



با توجه به اهمیت بحث پیشگیری و احساس ایجاد گرایش قانون گذار به این مقوله و نگاه گذرا به قانون برنامه پنجم توسعه، می توان گفت که در این قانون جهت گیری حکومت بیش از سابق به سوی خلق سازوکارهای اقتصادی و فرهنگی مختلف برای حرکت جامعه به سوی عدم ارتکاب جرم می باشد. ما بر این باوریم که پیشگیری، امری دارای طبقات و انواع مختلف است که ارگانهای مختلف عمومی، خصوصی و مردمی باید آن را اجرا کنند. نیز تأثیر گذاری انواع مختلف پیشگیری یکسان نیست. با توجه به برنامه پنجم توسعه، برخی از انواع پیشگیری زمینه و علل وقوع جرم را از بین می برد و برخی دیگر فرصت و امکان آن را کاهش یا دشوار می سازد. سیاست گذاران جنایی کشورمان معمولاً در عموم جرایم، توجه خود را بیشتر معطوف به علاج و درمان نموده اند تا پیشگیری، اما در قانون برنامه پنجم شاهد تغییر نگرش مقنن به سمت اقدامات پیشگیرانه هستیم.

در اعمال سیاست های پیشگیرانه در جامعه ابتدا باید هدف اصلی و مهم کشف شود و برای نیل به آن سیاست گذاری گردد. مهم ترین انتظار اعضای جامعه از نظام حاکمیت در گام اول، ایجاد امنیت همه جانبه است. لذا هدف اصلی پیشگیری، | حمایت از امنیت افراد جامعه است. مقنن در برنامه پنجم، اقدامات پیشگیرانه خود را در فصل هشتم صرفاً با بیانی کلی و تک عبارتی چون استانداردسازی ضمانت اجراها و..... بیان کرده است.

پیشگیری را از جهات مختلف و با توجه به ماهیت جرایم و خصوصیات مرتکب به دسته های مختلف تقسیم می کنند که نسبت به جرایم مانع توسعه، شاید تقسیم بندی به پیشگیری اجتماعی و وضعی منطبق تر و مناسب تر باشد. پاسخهای پیشگیرانه اجتماعی را می توان در دو دسته اقدامات پیشگیرانه فردمدار (رشدمدار) و اقدامات پیشگیرانه جامعه مدار بررسی کرد. در اقدامات پیشگیرانه فردمدار، افراد به طور خاص مد نظرند. یکی از جایگاه های اعمال پیشگیری رشدمدار «آموزش و پرورش» در معنای گسترده آن است. اهمیت ارتقای آموزش هم در سیاست های کلی برنامه پنجم و هم در خود برنامه تأکید شده است. برنامه پنجم علاوه بر آموزش و پرورش، بر نقش خانواده در تربیت کودکان و ارائه راهکارهای تقویت جایگاه آنان در جلوگیری از بزه دیدگی و بزهکاری تأکید کرده است. (اصغری و سرمدی واله، ۱۳۹۲)

راهکارهای عملی در برنامه پنجم جهت ارتقای سطح فرهنگ جامعه عبارتند از: ۱- آموزش همگانی از طریق صدا و سیما؛ ۲- آموزش همگانی حقوق شهروندی از طریق صدا و سیما؛ ۳- پیش بینی مواد درسی برای آموزش حقوق شهروندی؛ ۴- اختصاص زمان مناسب برای پخش برنامه هایی حقوقی؛ ۵-



همکاری سایر ارگان ها در اجرای برنامه های پیشگیری. برنامه پنجم توسعه، با اتخاذ سیاست های کلی و تأکید بر مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه سرمایه گذاری، بهبود فضای کسب و کار، تقویت و توسعه نظام استاندارد ملی، افزایش نقدینگی صندوق توسعه ملی، حمایت از بخش های مختلف اقتصادی کشور، اصلاح ساختار نظام بانکی، ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی و تبدیل نظام بودجه ریزی کشور به بودجه ریزی عملیاتی، به دنبال ایجاد جریان صحیح و سالم اقتصادی در کشور است.

۱-۳. آسیب شناسی جرم ستیزی

ستیز با جرم بیشتر در وهله ی اول نیاز به شناخت ابعادی از جرم دارد که با توجه به رفتارهای انحرافی اولیه رشد می کند و در نهایت به قوتی می رسد که باعث صدمه به جامعه می گردد. از همین رو خطابه اصلی ما این است که جرم نمی تواند بدون وجود رفتار انحرافی که به نوعی شروع به جرم نیز محسوب می شود، رخ دهد. شناسایی چنین رفتار های انحرافی پیش از جدی شدن آن می تواند به مبارزه با جرم معنا داده و اغلب منجر به پیروزی گردد. اما مسئله ای که برای موضوع اصلی ما وجود دارد این است که چه مبارزه ی هوشمندانه ای در برابر جرم قاچاق ارز با سوءاستفاده از دور زدن تحریم ها صورت گرفته است؟ بهتر است سوال را اینگونه بپرسیم که چه مبارزه ی هوشمندانه ای در برابر جرم قاچاق ارز با سوءاستفاده از دور زدن تحریم ها باید صورت بگیرد؟ پاسخ بدهی ما به این سوال این است که باید منشاء مشکل یا معضل منجر به رفتار انحرافی شناسایی شود و از طریق قانون جرم انگاری گردد و در نهایت پاسخ دهی به آن جنبه ی کیفری به خود بگیرد. با این حال بهتر است چند نکته را در نظر بگیریم.

اول اینکه چنین جرمی یک آسیب جدی برای کل جامعه به حساب می آید که با هر بار ارتکاب آن از سوی اشخاص مختلف بخشی از سرمایه کشور به باد می رود.

دوم اینکه این جرم دارای وسعت بسیار زیادی است. البته این مسئله بدهی است که « کلا ریسک کم و سود زیاد مرتبط با جرایم اقتصادی، آن را به یک فعالیت بسیار جذاب برای گروه های جنایت سازمان یافته تبدیل کرده است. به دلیل پیچیدگی تحقیقات مورد نیاز، احتمال کشف و پیگرد تقلب کم است. این امر به ویژه در مورد موارد کلاهبرداری که فقط از طریق همکاری بین المللی قابل کشف است و برای جرائم اینترنتی که نیاز به ایجاد صلاحیت قضایی دارند، صادق است.»



۲. آسیب شناسی ساختاری در عدم حمایت از افشای جرایم قاچاق ارز توسط عاملان دولتی در

تحریم‌ها

زیرساخت های قانونی در کشور ما برای افشای جرایم پیچیده به خصوص اگر آن جرایم به بدنه ی دولت متصل باشد، وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد آنقدر کم‌رنگ است که منجر به نتیجه ی مطلوب نمی گردد. ب این حال به نظر می رسد هر گونه ایجاد ساختار برای حمایت از افشای جرایم قاچاق ارز توسط عاملان دولتی در تحریم‌ها می تواند راه حلی در راستای تعمیم بخشیدن به شناسایی مجرمان سوءاستفاده کننده از تحریم به حساب آید. با بیان این نکته ما قصد داریم این مبحث به آسیب شناسی مسئله ی پیشگفته پردازیم.

۲-۱. عدم تعریف کاربردی در افشای جرایم دولتی

مهمترین چیزی که در باتدای این بحث باید مطرح بکنیم این است که دور زدن تحریم یک خلاقیت عمومی برای دولت های تحت تحریم در راستای گذر از شکست اقتصادی است که معمولا از سوی راس هرم دولت یا نهادهای دولتی رهبری شده و به وسیله ی شرکت های خصوصی یا دولتی و یا پیمانی و یا حتی به وسیله واسطه های خارجی که معمولا موسسه های مالی و شرکت های بین المللی هستند، انجام می گیرد. و از آنجایی انی عمل یک راهکار عملی به حساب می آید دست تاجران را برای جابه جایی ارز تحت لوای حمایت دولتی باز می گذارد. (قره‌خانی، ۱۳۹۷ ۵۳-۵۲) همین امر موجب می شود تا سرمنشاء این امر دولت باشد، لذا قاچاق ارز با سوءاستفاده از تحریم ها در صورت ناشی شدن از بدنه ی دولت یک جرم دولتی نیز محسوب می گردد که می تواند به وسیله ی یک یا گروهی از اشخاص سیاسی و دولتی انجام گیرد که عنوان جرم دولتی سازمان یافته را نیز دربرگیرد. این خود حتی می تواند عنوان فساد را نیز شامل شود. در این باره همچنین گفتنی است که دولت معمولا وقتی درگیر فساد می شود، بخش گسترده ای از آن فسادها اقتصادی است و مشخصا با جرایم اقتصادی خرد و کلان از جانب اعضای دولت و کارکنان آن همراه است. در سال های اخیر جرایم اقتصادی مختلفی از جانب دولت مردان و یا اعضای دولت و یا اشخاص مرتبط با دولت انجام گشته است که پرونده‌ی برخی از آن ها هنوز باز است و جریان دارد. چنین مسائلی موجب می شود تا افشای جرایم اقتصادی حساس تر از بقیه جرایم دولتی به نظر برسد. البته این را نباید فراموش کرد که در سال های اخیر بیشترین



افشاگری های انجام شده در زمینه جرایم اقتصادی دولت بوده است که « بعضاً از سوی مقامات دولتی و یا برخی اشخاص بانک مرکزی صورت گرفته است.»

تغییر و تحول زیرساختی قوانین با توجه به تدابیر دوراندیشانه ی قانونگذار می تواند به در راستای افشاگری که عملاً به صورت پراکنده در قوانین آمده است، مساعدت جدی بنماید. در واقع باید حمایت از افشاگری علیه جرایم دولتی و سازمان یافته در یک سری قوانین جدا با مواد آکنده از پراکنده گویی، تنظیم شود. چنین امری نیز نیازمند فهم دقیق زیرساخت های افشاگری در قوانین ایران است که البته این امر می تواند با نگاهی به اصول قانون اساسی در مورد حق مردم در رابطه با آگاهی از هر گونه اعمال دولت از طریق رسانه ها و نهادهای مردم نهاد صورت گیرد.

در این مورد می توان به برخی از جنبه های موجود در ماده ۱۷ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد اشاره کرد که بیان می دارد: « دولت مکلف است طبق مقررات این قانون نسبت به حمایت قانونی و تأمین امنیت و جبران خسارت اشخاصی که تحت عنوان مخبر یا گزارش دهنده، اطلاعات خود را برای پیشگیری، کشف یا اثبات جرم و همچنین شناسایی مرتکب، در اختیار مراجع ذی صلاح قرار می دهند و به این دلیل در معرض تهدید و اقدامات انتقام جویانه قرار می گیرند، اقدام نماید. اقدامات حمایتی عبارتند از:

الف - عدم افشاء اطلاعات مربوط به هویت و مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت اشخاص مذکور، مگر در مواردی که قاضی رسیدگی کننده به لحاظ ضرورت شرعی یا محاکمه عادلانه و تأمین حق دفاع متهم افشاء هویت آنان را لازم بداند. چگونگی عدم افشاء هویت اشخاص یاد شده و همچنین دسترسی اشخاص ذی نفع، در آیین نامه اجرائی این قانون مشخص می شود.

ب - فراهم آوردن موجبات انتقال افراد مذکور با درخواست آنان به محل مناسب دیگر در صورتی که در دستگاههای اجرائی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون شاغل باشند، دستگاه مربوط موظف به انجام این امر است و این انتقال نباید به هیچ وجه موجب تقلیل حقوق، مزایا، گروه شغلی و حقوق مکاتبه مستخدم گردد.

ج - جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه واردکننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد. در این صورت دولت جانشین زیان دیده محسوب می شود و می تواند خسارت پرداخت شده را مطالبه نماید.



د - هرگونه رفتار تبعیض آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن پیش از موعد، تغییر وضعیت، جابه جایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایای مخبر، گزارش دهنده و منبعی که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی صلاح قانونی منعکس می نمایند ممنوع است. تبصره - اشخاص فوق در صورتی مشمول مقررات این قانون می شوند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنان مورد تأیید مراجع ذی صلاح باشد.

نحوه اقدامات حمایتی، نوع آن و میزان جبران خسارت آنان، طبق مقرراتی است که توسط وزارت اطلاعات و با همکاری وزارت دادگستری و معاونت های برنامه ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور تهیه می شود و اقدامات قانونی لازم برای تصویب در مجلس شورای اسلامی به عمل می آید.»

حتی در این زمینه دستور العمل دولت سیزدهم نیز قابل توجه است که در ماده ۵ آن به تشویق افشاگر اشاره شده است: « برای گزارشگرانی که گزارش آنها طبق ماده ۱۱ این دستورالعمل منتهی به اثبات وقوع فساد و صدور رأی قطعی محکومیت و یا به هر نحوی منجر به عایدی مالی برای دولت شود حسب مورد دو دسته اقدامات تشویقی تعریف می شود الف) پاداش نقدی: در صورت بازگشت عواید مالی به منابع عمومی در نتیجه ی گزارش معادل ۳ درصد از عواید حاصله تا سقف ۱۰ میلیارد ریال بعنوان پاداش نقدی به گزارشگر تعلق می گیرد. «کارگروه احراز» موظف است با استناد به آراء صدره توسط مرجع رسیدگی و تأییدیه مراجع ذیصلاح درخصوص وصول قطعی عواید مالی برای دولت، نسبت به تعیین میزان دقیق عوائد مالی حاصله و رقم نهایی پاداش اقدام نماید. ب) تشویق غیرنقدی، شامل یک یا چند مورد از موارد زیر اعطای تقدیرنامه توسط وزیر معرفی به عنوان کارمند نمونه، حق تقدم در انتصاب به مشاغل حساس، مدیریتی و با مشاغل بالاتر در شرایط مساوی برای کارکنان دستگاههای موضوع ماده ۲ دستورالعمل) و معرفی و تقدیر در رسانه ها با همایش های مرتبط (برای تمامی گزارشگران تعریف شده در بند ۳ ماده ۱: در صورت رضایت خود گزارشگر) - تبصره: در صورت عدم بازگشت عایدی مالی به منابع عمومی، علیرغم صحت گزارش و احراز و اثبات فساد (مثلا در مواردی که به موجب گزارش، از فساد پیشگیری شده و یا یک گلوگاه فساد توسط گزارشگر معرفی



شده است) به تشخیص کارگروه احراز، گزارشگر میتواند از پاداش های غیرنقدی موضوع این ماده و همچنین یک هدیهی نقدی به میزانی که کارگروه احراز تعیین می کند، بهره مند شود.^۱ «
پیشگیری از برخی جرایم همچون جرایم دولتی بسیار دشوارتر از جرایم معمولی حتی جرم قتل است چرا که در برخی جرایم دولتی، مجرم خود می تواند مجری قانون باشد. این مسئله به قدری پیچیده است که تنها با قانون گذاری و یا جرم انگاری برخی از ارکان جرایم دولتی نمی توان از آن پیشگیری کرد و یا پیشگیری اجتماعی، وضعی و غیره تنها بخشی از گوشه های این جرم را می توانند پوشش دهند. به همین خاطر افشاگری یا همان سوت زنی می تواند گزینه ای برای تشخیص سریع جرم و علاج خلاء هایی باشد که موجب جرم افزایی در سیستم دولت می شوند. البته اعلام جرائم و یا افشای شروع به جرم دولتی بستگی به شرایط بسیاری دارد.

در این مورد، به طور ویژه باید توجه نمود که اعلام جرایم به هر نوعی که باشد، یک تکلیف یا وظیفه و یا الزام قانونی نمی باشد و به غیر از موارد خاص مصرح در قانون، به صورت دقیق جرم انگاری نشده است. البته شایان ذکر است با توجه به احتمال وجود عواقب جدی که کشف و افشای رسانه ای جرایم واجد حیثیت عمومی، پی داشته باشد، نظر بر این است به جز در مواردی که افشاگر یا سوت زن برای جرم مزبور دلایل قطعی و محکمه پسند در دست دارد، از افشای جرم در رسانه اها پرهیز نموده و صرفا موضوع به اطلاع مراجع دولتی ذیصلاح برساند. (محسنی، ۱۳۹۴: ۳۹۴) اما گذشته از اینها و به طور کلی افشاگری بدین معناست که اطلاع رسانی در مورد جرایم دولتی فاقد هرگونه تکلیف قانونی می باشد. چرا که افشاگر می تواند نقش حائز اهمیتی در ارتقای عملکرد دولت ها و افزایش سطح کیفیت آن ها داشته باشد و همچنین به نحوه اداره سازمان ها، مسئولیت شرکتی دولت، سلامت اداری در دولت کمک شایانی برساند. مسلما انجام چنین اقدامی، برخاسته از احساس مسئولیت اجتماعی افشاگران در راستای پیشگیری جرایم بعدی دولت است. در چنین حالتی وجود مسئولیت اجتماعی در فرد افشاگر، سبب ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی، رفاه و زیست بوم های جامعه می شود یا به سخن دیگر دولت یا مقامات دولتی با ترس از افشای ارتکاب جرایم، تا حد زیادی از آن خودداری می کنند و همین عمل به خودی خود اصل هدف پیشگیری از جرایم دولتی در افشاگری را ثابت می کند.^۲ روشن است که ارائه

¹ https://www.shada.ir/_shada.mefa/documents/1/sootzani.pdf

² Luca Ferri ORCID Icon, Annamaria Zampella ORCID Icon & Adele Caldarelli ORCID Icon, Addressing Corruption: Identifying the Factors Affecting the Disclosure of Anticorruption Plans in Italian Local Governments, International Journal of Public Administration, 2021 . at:



حمایت های قانونی در زمینه های مختلف از جمله مصونیت در برابر اقدامات تلافی جویانه کارفرمایان و امنیت شغلی افشاگران، در کنار مسئولیت سازمانی تمامی نهادها در زمره پیش نیازهای تحقق شفافیت و مبارزه موفق با فساد قرار دارد. (Aldaz Odriozola, 2021) فی الواقع طرح «طرح حمایت مالی از افشاگران فساد» که به نوعی میانه های بحث های مجلس شورای اسلامی قرار دارد و بر اساس آن «هر شخص حقیقی یا حقوقی که از ارتکاب یکی از جرایم موضوع ماده ۳۶ و تبصره آن آگاه شود، خواه خود از معاونین یا شرکای جرم باشد و خواه از مسئولین دستگاهی که جرم در آن در حال وقوع است و خواه غیر آن، و آن را کتبا به صورت محرمانه یا آشکار به دادستان محل یا رئیس دادگستری شهرستان یا استان با رئیس سازمان بازرسی یا رئیس قوه قضائیه اطلاع دهد، برابر میزان مال کسب شده توسط مجرم یا مجرمین یا مالی که محل تحصیل آن برابر اسناد در آینده قطعی است تا پنجاه درصد مال موضوع جرم و تا سقف صد میلیارد ریال در جرایم عادی و هزار میلیارد ریال در جرایم اخلال در نظام اقتصادی کشور، از محل ردیفی که در بودجه سال بعد از اعلام جرم تعیین خواهد شد به او تعلق خواهد می گیرد. « (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی) همین مسئله به خودی خود می تواند مشوقی برای پیشگیری از جرایم کلان دولتی و سبب پیشگیری از تضییع حق شهروندان جامعه شود.

۲-۲. عدم هماهنگی در ساختار قوانین و اجرا

که باید به آن توجه کرد اینکه اگرچه قانونگذار جرم قاچاق ارز را بشرحی که در بالا آمد بسیار موسع تعریف نموده اما در تعیین مجازات آن رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده است. در ماده (۱۸) قانون در خصوص مجازات قاچاق ارز قید شده که جریمه نقدی ارز ورودی یک تا ۲ برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی ۲ تا ۴ برابر بهای ریالی آنست پرسش اینست که جریمه ارز قاچاقی که نه ورودی است و نه خروجی و در ماده (۷) به آن اشاره شده چیست؟ قانونگذار پاسخی نداده و قانون در این خصوص ساکت است. پرسش بی پاسخ در متن قانون اینست که اگر قرار است قانونگذار امری را جرم اعلام کند اما برای آن مجازات اعلام نکند از این جرم انگاری چه سودی حاصل میشود و قضات چگونه باید براساس این قانون رای صادر کنند؟ مسلماً قاضی نمیتواند بدون نص قانونی شخصی را به مجازاتی محکوم و از سوی دیگر، صدور حکم براءت نیز با تصریح قانونگذار به جرم بودن عمل ممکن نیست در، عمل ضبط ارز موضوع جرم میتواند تنها مجازات در نظر گرفته شده برای این عمل باشد، اما



از دیدگاه دقیق، حقوقی، چنین امری مجازات نیست و صرفاً تعیین تکلیف مال موضوع جرم است عدم تعیین مجازات صریح برای قاچاق ارزی داخلی در مقابل قاچاق ارز ورودی و خروجی را میتوان هم گزینه ای بر وضع قانون برای شرایط اضطراری دانست و هم نشانه ای از جرم انگاری موسع که اصلاح آن در شرایط فعلی ضروری بنظر میرسد. (ستوده گندشمین، و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶ - ۱۲۰)

همچنین در ماده (۲۵) قید شده در صورتیکه ارتکاب قاچاق ارز بصورت انفرادی یا سازمان یافته بقصد مقابله با نظام ج.م.ا یا با علم به موثر بودن آن صورت گیرد مشمول قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور میشوند. حال با توجه به شرایط حاکم بر مبادلات ارزی مابین کشورمان با سایر کشورهای دیگر که پیامد برجام می باشد، بر اساس این بند از قانون و با توجه به عدم امکان انتقال ارز از طریق سیستم بانکی و الزام پرداخت هزینه های مرتبط با کشتیهای خارجی به ارز کلیه شرکتهای نمایندگی کشتیرانی که به طریقی تحریم را دور میزنند مفسد فی الارض خواهند بود.

ابهام نقد آمیز دیگری که در خصوص مجازات قاچاقچیان ارز وجود دارد مربوط به ماده (۵۸) ق. ش.م.ق.ک است که صراحتاً بیان داشته در کلیه جرایم و تخلفات موضوع این قانون در خصوص کالا و ارز، در صورت موجود نبودن عین کالا و یا ارز، قاچاق مرتکب حسب مورد علاوه بر محکومیت به مجازاتهای مقرر، به پرداخت معادل ارزش کالا و ارز نیز محکوم میشود

فارغ از اینکه قانونگذار چگونه بدون کشف ارز، قاچاق مرتکب را به قاچاق ارز متهم می کند، جای بس تأمل دارد! نکته مهم اینست؛ بافرض ثبوت اتهام، موصوف میزان ارز قاچاق شده بایستی چگونه تعیین شود تا معادل ارزش آن مرتکب محکوم به پرداخت گردد؟ اگر منظور قانونگذار استناد به اقرار مرتکب است، همین امر نیز خالی از ایراد نیست چراکه واگذاری تعیین میزان مجازات مالی مجرم به خودش، هیچ منطقی عقلانی و حقوقی و حتی شرعی ندارد نه اگر منظور قانونگذار اثبات از طریق سایر ادله اثبات جرم است شهادت سوم، سوگند و علم (قاضی باز ابهاماتی وارد است که قابل بررسی هستند. نکته مهم دیگری هم که قانونگذار در این ماده از آن کوتاهی کرده عدم تعیین نوع پرداختی مرتکب است که آیا شامل جزای نقدی است؟ یا جریمه نقدی؟

از نقدهایی دیگر که میتوان به این قانون نوشت در باب مجازاتهای تکمیلی است. قانونگذار در ماده (۶۳) قانون به صراحت هرگونه اقدام در خصوص مجازاتهای تبعی و تکمیلی تعدد و تکرار جرم قاچاق ارز را به ق.م.ا منوط کرده است، لیکن در ماده ۶۹ ق. م.ق.ک نسبت به برشمردن مجازاتهای تکمیلی درخصوص قاچاق کالا و ارز اقدام نموده است حال سؤال اینجاست وقتی قانونگذار در یک قانون



خاص و ماده مقدمی، حکم مجازاتهای تکمیلی را به قانون اهمی موکول مینماید چه ضرورتی داشت که در ماده موخر دیگری نسبت به تعیین مصادیق مجازاتهای تکمیلی اقدام نماید؟ در این بین تکلیف قضات محترم نیز مشخص! نیست که در خصوص تعیین مجازاتهای تکمیلی به. ق. م. ق. ک. چنین استنباط میشود که منظور ق. م. ق. ک.؟ با نحوه انشای و تقدم و تاخر مادتين (۶۳) و (۶۹) ق. م. ق. ک. چنین استنباط میشود که منظور قانونگذار این بوده است که قضات در تعیین مجازاتهای تکمیلی از مصادیق ماده (۶۹) مستفاد نمایند؛ لیکن شرایط، ضوابط و مقررات حاکم بر نحوه تعیین فرآیند و ضمانتهای اجرایی لازم برای مجازاتهای تکمیلی مرتکبین قاچاق ارز تابع ق. م. ا. باشد.

۲-۳. عدم حمایت های قانونی مناسب

ورود و خروج ارز باید تماما کنترل شده باشد، چه ارز به دست دولت، دستگاه های دولتی و یا شرکت های دولتی مشمول ورود و خروج باشد و چه به وسیله اشخاص خصوصی. در هر حال باید قوانین با توجه به ایجاد مساوات برای تمام نهادها یکسان باشد تا از هرگونه دست درازی به ارز در لابه لای تجارت درون تحریم، جلوگیری شود. اما با این حال در این مورد سوال های بسیاری نیز وجود دارد. اول اینکه با توجه به اشاره ی ما به جرم دولتی که جرایم اقتصادی نیز جزو آن محسوب می گردد، قاچاق ارز از طریق راه های دور زدن تحریم توسط بدنه ی دولت مشمول چه نوع جرم دولتی خواهد شد. در این باره نیاز به نظر می رسد اولاً مسئله در مورد جرم دولتی روشن گردد. البته ابتدا در این باره باید گفت « مقامات یا شرکت هایی که با دولت کار می کنند ممکن است فساد را به عنوان وسیله ای جایگزین، غیر رسمی و شاید ناخوشایند. .. برای تحقق اهداف سودمند خود تلقی نمایند.»

(DeLeon, 1993) البته مشخصاً اختلاص ارز از طریق بهانه ی دور زدن تحریم ها می توان به صورت سازمانی صورت گیرد که ما نی زمی توانیم عنوان جرم سازمانی دولتی را به آن نسبت دهیم بدین گونه که « دوم فساد سازمانی، آنهایی که به طور مستقیم در فعالیت های مفسدانه مشارکت می کنند به دنبال تحقق اهداف سازمانی نیستند بلکه رفتار آنها توسط سایر مقاماتی که به دنبال تحقق اهداف سازمانی هستند تحمل یا نادیده گرفته می شود. بدیهی ترین و شایع ترین مثال از این نوع جرم دولتی زمانی اتفاق می افتد که مقامات عمومی دستمزد بسیار پایینی دریافت می کنند و بنابراین فساد برای بقای اقتصادی آنها ضرورت خواهد داشت. با این کار نه تنها پول سازمان ذخیره می شود، بلکه وسیله ای برای کنترل مقامات زبردست نیز فراهم می گردد، چرا که زبردستان میدانند مافوقان آنها از اقدامات فاسدشان مطلع بوده و می توانند هرگاه که بخواهند از تداوم چشم پوشی از فساد آنها صرف نظر کنند (Harrison,)



537:1999) با فهم این موضوع می توانیم بگوییم که گام اول قانونگذار باید تمرکز بر روی ابعاد اینگونه رفتار های انحرافی باشد که عمدتا نیز برای دور زدن تحریم ها از شرکت ای واسطه ای دولتی استفاده می شود. اگر در قانون برای چنین مسئله ای حمایتی در نظر گرفته نشود قطعاً جرم تلقی کردن چنین امری نیز بسیار مشکل است.

۳. آسیب شناسی آثار جرم قاچاق ارز از طریق دور زدن تحریم ها

۳-۱. ظرفیت سازی جرایم اقتصادی در سایه تحریم ها

به نظر می رسد تحریم ها خود به خود باعث ایجاد راه هایی در جهت سوءاستفاده و سود شخصی برخی دلالان و تاجران واسطه ای گشته است. در واقع تاجران و دلالانی که بدین طریق سود می کنند و اصطلاحاً به آن ها و رابط های آن ها « کاسبان تحریم » نیز گفته می شود، سود های هنگفتی از ارزهایی که دولت برای دور زدن تحریم ها در اختیارشان می گذارد، می کنند. در چنین حالتی به نظر می رسد تنها یک راه برای ظرفیت سازی جرایم اقتصادی در سایه تحریم ها می ماند و آن هم سازمان دهی تعریف انحراف ها و تخلفات ارزی است که باید از سوی قانون گذار صورت بگیرد.

با عنایت به تعریف قاچاق ارز و تخلف ارزی به نظر میرسد در خصوص قاچاق ارز و تخلفات ارزی، تفاوت های ذیل مشهود است الف- رکن قانونی تخلفات، ارزی مواد ۱۰ و ۱۱ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین بند «الف» ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸/۴/۱۳۵۱ مجلس شورای ملی میباشد ولی رسیدگی به قاچاق ارز امروزه براساس قانون مبارزه با قاچاق ۱۳۹۲ میباشد و سابقاً نیز براساس قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲ کالا و ارز مصوب به عمل می آمد.

ب هم چنین قاچاق ارز میتواند خارج از سیستم بانکی به طور غیر قانونی صورت گیرد، ولی تخلفات ارزی در بستر عملیاتیهای بانکی و همراه با اخذ مجوزهای بانکی صورت می گیرد.

پ- رسیدگی به تخلفات ارزی حسب مورد در دادگاههای عمومی و یا شعب سازمان تعزیرات حکومتی صورت میگیرد اما رسیدگی به جرم قاچاق ارز حسب مورد امروزه بر اساس ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب (۱۳۹۲) در محاکم انقلاب و یا شعب سازمان تعزیرات حکومت به عمل می آید. ت قاچاق ارز میتواند مشمول مجازاتهای تکمیلی و تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی قرار گیرد، اما تخلفات ارزی این چنین نیست.



ث قاچاق ارز میتواند از معافیت‌های قانونی ذکر شده برای اعمال کیفر یا صدور حکم برخوردار گردد (نظیر بهره مندی از عفو آزادی مشروط و جایگزینهای (حبس) اما برای تخلفات ارزی چنین معافیتها و تخفیفات قانونی در نظر گرفته نشده است.

ج- برای جرم غالباً رکن روانی شرط می باشد، اما برای تخلف چنین نیست و صرف ارتکاب رفتار متخلفانه، متخلف با واکنش مواجه خواهد شد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۶-۱۷۷)

هم چنین برخی از نویسندگان میان قاچاق ارز و تخلفات ارزی از چهار حیث تمایز قائل میشوند ۱- از حیث ماهوی قاچاق ارز جرم میباشد که در ذیل جرایم اقتصادی دسته بندی میشوند و تأییراتی ذکر شده در قانون برای جرایم اقتصادی در مورد قاچاق ارز هم جاری میباشد اما تخلف ارزی، چنین آثار سنگینی ندارد و جرم نیست

۲- از حیث مراجع صالح به رسیدگی قاچاق ارز در صلاحیت محاکم انقلاب میباشد، اما تخلفات ارزی در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. ۳- از حیث میزان و نوع مجازات ضمانت اجرای تخلفات، ارزی معمولاً جریمه نقدی است، اما ضمانت اجرای قاچاق ارز، حبس شلاق و یا مصادره اموال میباشد

۴- عناصر مشتکله برای ارتکاب قاچاق ارز لزوماً می بایست رکن روانی موجود باشد، اما تخلفات ارزی لزوماً مستلزم وجود رکن روانی نیست. (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۱ - ۱۸۲) البته امکان ارتکاب جرم و تخلف ارزی به صورت توأمان وجود دارد. به عنوان مثال در این مورد میتوان گفت «گشاینده اعتبار اسنادی با ارائه فاکتورهای جعلی و تبانی با طرف خارجی موفق به خروج ارز در کشور گردد و آن را در خارج از کشور به فروش برساند و در عوض کالاهایی هم که متعهد شده وارد نکند». در این صورت، این شخص هم مرتکب جرم قاچاق ارز شده و هم مرتکب تخلف ارزی گردیده است. (ساک، ۱۳۹۶: ۷۶) بنابراین مراد از تخلفات ارزی آن دسته از تخلفاتی است که علی رغم آنکه موضوع آن ارز است لیکن مشمول تعریف جرم قاچاق ارز نمیگردد لذا تحت این عنوان قابل پیگرد نخواهد بود؛ لازم به ذکر است این امر به این معنا نیست که هیچ ضمانت اجرایی برای این اعمال وجود ندارد بلکه حسب مورد قابل پیگیری در مراجع مربوط خواهند بود و برای هر یک به تفصیل ضمانتهای اجرایی مقرر گردیده است.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی هایی که طول پژوهش صورت گرفت باید گفت قاچاق ارز با سوءاستفاده از دور زدن تحریم ها در وهله ی اول یک انحراف است که از جانب قانون گذار به عنوان یک جرم مشخص



شناسایی نشده و ظرفیت سازی های مناسب نیز برای آن انجان گرفته است اما در نتیجه ی امر می توان اینگونه بیان کرد که بی شک مضار قاچاق ارز بر پیکره اقتصادی هر کشوری تدابیر لازم را برای مقابله با آن و به تعبیر قانونگذاری «مبارزه» با آن را میطلبد و هر چه که این تدابیر بیشتر منطبق با واقع، باشد مهار آن آسانتر است. نهایتاً قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ و قانون اصلاح آن در ۱۳۹۴ در بند(خ) از ماده (۲) قانون قاچاق ارز را تعریف کرده است. همچنین تعریف ارز نیز در بند (پ) ماده (۱) این قانون بیان شده است ضمانت اجرایی کیفری جرم در حکم قاچاق ارز نیز در تبصره (۲) ماده (۷) ق. م.ق.ک ۱۳۹۴ آورده شد. همچنین براساس ماده (۱۷) دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر ارز همراه مسافر عدم رعایت ضوابط دستورالعمل مذکور، مشمول مجازات مقرر در ق. م.ق.ک مصوب ۱۳۹۲ خواهد بود. مجازات قاچاق ارز نیز با توجه به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون مبارزه با اختلال در نظام اقتصادی حسب مورد اعم از اینکه قاچاق ارز به قصد ضربه زدن به نظام یا بدون آن قصد، عمده باشد یا غیر، عمده سازمان یافته باشد یا نه مرتکب قاچاقچی حرفه ای باشد یا نه و همچنین توسط شخص حقیقی ارتکاب یابد یا شخص حقوقی متفاوت است. علیرغم اینکه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ و قانون اصلاح، آن قانون جامع و کاملی است لیکن دارای ابهامات و انتقاداتی است که از آن جمله می توان به ماده (۷) اشاره کرد که احکامی را مقرر داشته است که این تصور به ذهن می آید که گویا قانونگذار قصد داشته است که از هر نوع معامله ارز جز در بازارهای رسمی جلوگیری کند و آن را مشمول عنوان قاچاق قرار دهد. همچنین مفهوم دولت و بانک مرکزی در تبصره (۳) خلط شده است. درست است که دولت در مفهوم عام آن شامل بانک مرکزی نیز میشود و بانک مرکزی نیز یک دستگاه حاکمیتی است اما باید توجه داشت که در همین قانون، وظایف بانک مرکزی و دولت جدا از یکدیگر ذکر شده و نظر میرسد که قانونگذار به این تفکیک وظایف توجه داشته است. ابهام مهمتری که بر اساس ماده (۷) ایجاد میشود اینست که آیا خرید و فروش ارز صرفاً در صرافیها و بانکها میتواند انجام شود یا اینکه معامله موردی ارز در خارج از صرافیها و بانکها نیز مجاز است؟ ظاهراً تبصره (۲) خلاف این امر را مقرر و فروش ارز را در صورتیکه خارج از واحدهای تعیین شده توسط دولت و بوسیله اشخاص و واحدهای صنفی صورت گیرد ممنوع میداند و نتیجه این ممنوعیت نیز براساس سایر مواد ق.م.ق.ک از جمله ماده (۲) محکومیت مرتکب به جرم قاچاق ارز است چنین مقرره بسیار سختگیرانه در عمل میتواند دشواریهای بسیاری را ایجاد کند نکته مهم اینست که اگرچه قانونگذار جرم قاچاق ارز را بسیار موسع تعریف کرده است، اما در تعیین مجازات آن رویکردی کاملاً متفاوت اخذ کرده است. در



ماده (۱۸) قانون در خصوص مجازات قاچاق ارز قید شده جریمه نقدی ارز ورودی یک تا ۲ برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی ۲ تا ۴ برابر بهای ریالی آنست پرسش اینست که جریمه ارز قاچاقی که نه ورودی است و نه خروجی و در ماده (۷) به آن اشاره شده چیست؟ قانونگذار هیچ پاسخی به این پرسش نداده و قانون در این خصوص ساکت است همچنین در ماده (۲۵) قید شده در صورتیکه ارتکاب قاچاق ارز بصورت انفرادی یا سازمان یافته به قصد مقابله با نظام ج.م. یا با علم به موثر بودن آن صورت گیرد مشمول قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور میشوند حال با توجه به شرایط حاکم بر مبادلات ارزی مابین کشورمان با سایر کشورهای دیگر که پیامد برجام میباشد بر اساس این بند از قانون و با توجه به عدم امکان انتقال ارز از طریق سیستم بانکی و الزام پرداخت هزینه های مرتبط با کشتیهای خارجی به، ارز کلیه شرکتهای نمایندگی کشتیرانی که بطریقی تحریم را دور میزنند مفسد فی الارض خواهند بود ابهام نقد آمیز دیگری که در خصوص مجازات قاچاقچیان ارز وجود دارد، مربوط به ماده (۵۸) .. م.ق.ک است که صراحتاً بیان داشته در کلیه جرایم و تخلفات موضوع این قانون در خصوص کالاوارز در صورت موجود نبودن عین کالا و یا ارز قاچاق مرتکب حسب مورد علاوه بر محکومیت به مجازاتهای مقرر به پرداخت معادل ارزش کالاوارز نیز محکوم میشود فارغ از اینکه قانونگذار چگونه بدون کشف ارز قاچاق مرتکب را به قاچاق ارز متهم میکند جای بس تأمل دارد نکته مهم اینست با فرض ثبوت اتهام موصوف میزان ارز قاچاق شده بایستی چگونه تعیین شود تا معادل ارزش آن مرتکب محکوم به پرداخت گردد؟ نقد دیگر، در باب مجازاتهای تکمیلی است قانونگذار در ماده (۶۳) قانون، موصوف بصراحت هرگونه اقدام در خصوص مجازاتهای تبعی و تکمیلی تعدد و تکرار جرم قاچاق ارز را به قم منوط داده است، لیکن در ماده (۶۹) ق.م. ق ک نسبت به برشمردن مجازاتهای تکمیلی در خصوص قاچاق کالا و ارز اقدام نموده است. حال سؤال اینجاست وقتی قانونگذار در یک قانون خاص و ماده، مقدمی حکم مجازاتهای تکمیلی را به قانون اهمی موکول می نماید چه ضرورتی داشت که در ماده موخر دیگری نسبت به تعیین مصادیق مجازاتهای تکمیلی اقدام نماید؟! البته باید در اثنای نتیجه این را نیز گفت که قانونگذار ایران در مقاطع مختلف، زمانی سیاستهای کیفی متفاوتی را در قبال قاچاق ارز اتخاذ نموده است؛ در برخی قوانین ارز را نوعی کالا محسوب نموده که تنها ورود و خروج آن به کشور ممنوع بوده است، در برخی دیگر قوانین خرید و فروش ارز را جرم انگاری نموده ولی آن را قاچاق تلقی ننموده است و در برخی مقررات خرید فروش جمل و حواله آن را برای خروج از کشور در حکم قاچاق بر شمرده و در برخی دیگر از قوانین نه تنها، خرید، فروش،



ورود خروج حمل و حواله ارز فیزیکی را خلاف مقررات دولت جرم شناخته بلکه این ممنوعیت را به ارزهای الکترونیک نیز تسری داده است. مصادیق قاچاق ارز امروزه یکی از پرچالشتترین مباحث حقوق کیفری اختصاصی میباشد؛ تا کنون فانونگذار مصادیق قاچاق ارز را احصاء نموده است ولی در خصوص تخلفات ارزی مصادیقی را در قانون تعزیرات حکومتی ذکر نموده است. به نظر میرسد مصادیق قاچاق ارز را بتوان از دستورالعمل تاسیس، فعالیت و نظارت بر ۱۳۹۳ شورای پول و اعتبار صرافی ها» مصوب ۱۳۹۳ به شرح زیر احصاء نمود

انجام عملیات صرافی در خارج از نشانی ثبت شده

معامله با ارزهای غیر مجاز

انجام عملیات صرافی در فضای اینترنتی و یا مجازی

عدم ارائه فاکتور یا رسید معتبر

عدم اقدام به شناسایی و احراز هویت مشتری

انجام معاملات عمده خارج از زمان مجاز

عدم اعلام همزمان نرخ خرید و فروش ارز در محل استقرار صرافی و یا تارنمای صرافی

عدم معاملات ثبت سیستمی

بنابراین مراد از تخلفات ارزی آن دسته از تخلفاتی است که علی رغم آنکه موضوع آن ارز است لیکن مشمول تعریف جرم قاچاق ارز نمیگردد لذا تحت این عنوان قابل پیگرد نخواهد بود؛ لازم به ذکر است این امر به این معنا نیست که هیچ ضمانت اجرایی برای این اعمال وجود ندارد بلکه حسب مورد قابل پیگیری در مراجع مربوط خواهند بود و برای هر یک به تفصیل ضمانتهای اجرایی مقرر گردیده است از تتبع در مقررات فعلی و قانون تعزیرات حکومتی میتوان سه مصداق از تخلفات ارزی را معرفی نمود که عبارتند از عدم اجرای تعهدات وارد کنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی؛ عدم اجرای تعهدات تولید کنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی؛ فروش ارزی ربالی.

بهتر آن است که قانون گذار براساس ملاک و معیار مشخص جرم انگاری کند. ملاحظه اصلی این نوع جرم انگاری آن است که مشابه آنچه که در قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور وجود دارد نباید ملاکهای مدنظر قانون گذار، مفاهیمی مبهم و کلی و تفسیر پذیر باشند؛ چراکه مفهوم «اخلال»، مفهوم کلی و مبهمی است که قابل تفسیر و انتساب به مصادیق متعددی است که بیان مصادیق به صورت تمثیلی ضمن این مفهوم کلی میتواند به تضییع حقوق مردم منجر شود و اصل قانونی بودن جرم و



مجازات را به سمت قضایی کردن آن سوق دهد. حال آنکه در مقابل مفهوم مبهم، اخلاص مفاهیمی مثل افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی کاهش ذخیره ارزی کشور و .. مفاهیم مشخصی هستند که رفتار منجر به این، نتیجه برای مخاطبان قانون قابلیت شناسایی دارد. جرم انگاری «نتیجه» از همین قبیل است به عنوان مثال باید در قانون بیان شود. عدم واردات کالا به میزان و نرخ مقرر در ازای ارز دریافتی به هر طریق ممکن.» براساس قانون پولی بانکی کشور، تعیین نظارت و اجرای سیاستهای ارزی کشور در چهارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار که نهادی فراقوه ای است معتبر میباشد. با این حال ضروری است با اصلاح در این، قانون به لزوم پیروی بانک مرکزی از شورای پول و اعتبار در تصویب سیاستهای کلان ارزی کشور و نظارت این شورا در اجرای بهینه سیاستهای ابلاغی خود تصریح شود و امکان دخالت دولت در بانک مرکزی با اغراض، سیاسی در قبال سیاستهای ارزی کشور به حداقل ممکن برسد.

منابع

- اصغری، عبدالرضا و سرمدی واله، علی. (۱۳۹۰). پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه. بابائیان و همکاران. (۱۳۹۱). "نقش آموزش همگانی در پیشگیری از جرم". فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۲۴، ۱۲. ستوده گندشمین، مجتبی، دیندار بوسجین، رقیه و صمدیان، موسی. (۱۳۹۵). "رویکرد واکنشی به قاچاق ارز در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و انتقادات وارد بر آن". علوم اجتماعی، نشریه کارآگاه، ۳(زمستان)، ۹۶-۱۲۰. سردارنیا، خلیل الله و شاکری، حمید. (۱۳۹۳). "اینترنت و ظرفیت‌های آن برای حکمرانی خوب شهری؛ بررسی نظری و مصداقی". فصلنامه راهبردی توسعه، ۴۰، ۱۰۷.
- شکری، مصطفی. (۱۳۹۹). "بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و نااطمینانی نرخ ارز بر جذب FDI در ایران: رویکرد فازی". اقتصاد و الگوسازی، ۴۳، ۳۳-۵۹.
- شیری، عباس. (۱۳۷۸). درآمدی بر پیشگیری وضعی و گونه‌های آن. در مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم (ص. ۲۹). دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- قره‌خانی، اسدالله. (۱۳۹۷). شناسایی راه‌های جدید دور زدن تحریم. تازه‌های اقتصاد، ۱۵۴، ۵۲-۵۳.
- قهرمانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). "پلیس جامعه‌محور؛ نقش مشارکت مردم در پیشگیری از جرم". فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۹-۷.
- کوسن، موريس. (۱۳۸۵). جرم‌شناسی (ترجمه میرروح‌الله صدیق). تهران: نشر دادگستر.
- محسنی، فرید. (۱۳۹۴). حریم خصوصی اطلاعات: مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.



معظمی، شہلا. (۱۳۸۶). "پیشگیری جرم‌شناختی". فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجله، سال اول، تابستان، شماره ۱، ۹۳.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). مباحثی در علوم جنایی: تقریرات درس جرم‌شناسی مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد. (مجموعه دو جلدی). به کوشش شهرام ابراهیمی.

وروایی، اکبر. (۱۳۹۴). "نقش نظارت سازمانی در پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان نیروی انتظامی". فصلنامه نظارت و بازرسی، ۳۱، ۵۰.

هاشمی، حمید و فرهمند، حیدررضا. (۱۳۹۲). "سیاست جنایی مشارکتی پلیس در بسترسازی امنیت اجتماعی محله‌محور". فصلنامه دانش انتظامی پلیس پایتخت، ۶(۴)، ۳۰.

Aldaz Odriozola, M., & Álvarez Etxeberria, I. (2021). Determinants of Corporate Anti-Corruption Disclosure: The Case of the Emerging Economies. *International Journal of Public Administration*, 13(3462).

DeLeon, P. (1993). *Thinking About Political Corruption*. Armonk, NY and London: M.E. Sharpe.

Ferri, L., Zampella, A., & Caldarelli, A. (2021). Addressing Corruption: Identifying the Factors Affecting the Disclosure of Anticorruption Plans in Italian Local Governments. *International Journal of Public Administration*, 44(7), 520–537. <https://doi.org/10.1080/01900692.2021.2001011>

Harrison, G. (1999). Corruption as "Boundary Politics": the State, Democratisation, and Mozambique's Unstable Liberalisation. *Third World Quarterly*, 20(4), 537–550. <https://doi.org/10.1080/01900692.2021.2001011>